

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)  
سال بیست و ششم، دوره جدید، شماره ۲۹، پیاپی ۱۱۹، بهار ۱۳۹۵

## بررسی جایگاه اجتماعی هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان

معصومه سمائی دستجردی<sup>۱</sup>

فریدون الهیاری<sup>۲</sup>

اصغر فروغی ابری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۹

تاریخ تصویب: ۹۴/۶/۱۸

### چکیده

مطرح شدن دوره تیموریان به عنوان یک مقطع شاخص و مهم در تاریخ هنر ایران از یک سو و حجم کمی و کیفی فعالیت های هنری و صنعتی و آثار تولید شده در این حوزه از سوی دیگر، هنرمندان و صنعتگران را به قشری تأثیرگذار در جامعه این عصر مبدل نمود. این امر خود موجب شکل گیری جامعه ای هنری در این دوره گردید که اگرچه اعضای آن را هنرمندان و صنعتگران تشکیل می دادند ولی این افراد مقام و موقعیت و جایگاه اجتماعی یکسانی نداشتند. تفاوت در خاستگاه (تنوع قومی و

---

۱. دانشجوی دکتری رشته تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه اصفهان؛ masoomeh.samaei@yahoo.com

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان؛ f.allahyari@ltr.ui.ac.ir

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان؛ a.foroughi@ltr.ui.ac.ir

نژادی)، طبقه اجتماعی، اعتقادات مذهبی (اعم از شیعه و سنی و سایر مذاهب)، ویژگی‌های اخلاقی، تحصیلات، وضعیت معیشتی (سطح درآمد و میزان رفاه) و میزان شهرت و مقبولیت اجتماعی اعضای این جامعه مؤید این مطلب می‌باشد. مواردی که تحقیق حاضر میزان تأثیر آنها را در تعیین، تثبیت یا عدم ثبات جایگاه اجتماعی هنرمندان و صنعتگران این دوره بررسی می‌نماید.

## واژه‌های کلیدی: تیموریان، هنرمندان، صنعتگران، جایگاه اجتماعی

### مقدمه

جایگاه اجتماعی بر مقام و موقعیت یک فرد یا گروه خاص در یک جامعه و در زمان معینی دلالت دارد. معیارهای مختلفی همچون شغل، درآمد، میزان تحصیلات، اصل و نسب، دین و ملیت در تعیین این جایگاه اثرگذارند. البته عوامل مذکور ممکن است در جوامع و ادوار مختلف تغییر و تبدیل یابند. بدین علت در ارزیابی جایگاه اجتماعی توجه به شرایط زمانی و مکانی که افراد در آن قرار دارند ضروری است. بی‌شک توجه به موقعیت اقشار مختلف در یک جامعه به شناخت ساختار اجتماعی آن جامعه، ظرفیت‌های نیروی انسانی آن و در نتیجه بهره‌وری صحیح از این ظرفیت‌ها و استعدادها در حل چالش‌های مدیریتی آن کشور کمک می‌نماید. توجه به این امر به‌ویژه در مورد اقشار و طبقاتی که در برخی ادوار و به دلایل خاص سیاسی و اجتماعی از قابلیت‌ها و کارآیی بهتری نسبت به سایر اقشار برخوردار بوده‌اند دارای اهمیت بیشتری است. چنان‌که با ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد و شکوفایی هنر در دوره تیموریان، بررسی جایگاه و موقعیت هنرمندان و صنعتگران حائز اهمیت‌های تاریخی می‌باشد. با توجه به نبود ساختار اجتماعی منظم و قانونمند در این دوره به مثابه سایر ادوار تاریخی در ایران، پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا قشر مذکور از جایگاه ثابتی در جامعه تیموری برخوردار بوده است؟ در غیر این صورت چه عواملی در تغییر و عدم ثبات این جایگاه مؤثر بودند؟ پاسخ به این پرسش نیازمند نگاهی تحلیلی و تاریخی به ساختار ناهمگون اجتماعی این دوره و بررسی موقعیت هنرمندان در

این ساختار به عنوان یکی از عناصر و اجزای تشکیل دهنده آن می باشد. موضوعی که تاکنون در قالب یک تحقیق مستقل و جامع به آن پرداخته نشده است. معدود پژوهش های صورت گرفته در این زمینه نیز دارای ضعف هایی همچون نگاه تک بعدی، دارا نبودن نگرش جامعه شناختی، اکتفا به وضعیت زندگی معدودی از هنرمندان به ویژه هنرمندان مهاجر به دیگر کشورها، عدم توجه به ویژگی های درونی و شخصیتی هنرمندان، در نظر گرفتن جایگاهی همواره ثابت و برتر برای آنها و عدم توجه به عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر این جایگاه می باشند.

از جمله محققانی چون دین پرست، خزایی و فرخ فر در مقالاتی با مضامین نقش و جایگاه هنرمندان ایرانی مهاجر به عثمانی، تنها به تحلیل آماری وضعیت زندگی هنرمندان مهاجر به این کشور در دوره تیموریان اشاره دارند و در این زمینه از وضعیت سایر هنرمندان ساکن در ایران ذکری به میان نیاورده اند. یعقوب آژند نیز در آثاری نظیر «مکتب نگارگری هرات و شیراز و سلطانه علی مشهدی» تنها به بررسی ویژگی های هنر نگارگری تیموریان و معرفی برخی از چهره های فعال در این حوزه بسنده کرده و از دیگر شاخه های هنری این عهد و جایگاه هنرمندان در سایر عرصه های اجتماعی سخنی به میان نیاورده است. سایر منابع موجود در این حوزه همچون «دانشوران خراسان» غلامرضا ریاضی، «معماری تیموری در ایران و توران» دونالد ویلبر و «تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی» عبدالرفیع حقیقت نیز اطلاعاتی دایره المعارف گونه در باب انواع هنرها و صنایع این دوره، اسامی هنرمندان مشهور و آثار برتر در هر حوزه و سبک ها و مکاتب هنری این دوره ارائه داده اند. بدین لحاظ پژوهش حاضر با نگرشی تاریخی و جامعه شناختی سعی در ارزیابی موقعیت متغیر و سیال گونه هنرمندان و صنعتگران این دوره با ارائه شاخص هایی چون خاستگاه، طبقه، معتقدات دینی، ویژگی های اخلاقی، تحصیلات و سوابق علمی، وضعیت معیشتی و شهرت اجتماعی دارد.

## خاستگاه اجتماعی

منظور از خاستگاه در این پژوهش در وهله اول زادگاه هنرمند و صنعتگر و در مرحله بعد محل تمرکز و فعالیت آنهاست. گستره این خاستگاه را حوزه‌های متنوعی اعم از کشور، شهر، روستا و محله دربر می‌گیرد. اهمیت پرداختن به این موضوع، شناسایی هویت، ملیت، اصالت و اهلیت افراد، پی‌بردن به نقش و سهم ملل، اقوام و گروه‌های مختلف در تحولات هنری و صنعتی کشور، اهمیت فضای اجتماعی و تأثیر آن بر کارکرد این اقشار، کشف و فهم بعضی غلط‌پنداری‌های تاریخی در باب حرف و صنایع مختلف، ارزیابی ظرفیت‌ها و امکانات خاص مناطق مختلف در حوزه هنر و صنعت و سهم این مناطق در رشد، رونق، خیزش یا ضعف، رکود و سقوط این جریان در کشور می‌باشد. بی‌تردید در طول تاریخ ایران اقشاری با خاستگاه متفاوت شهری، روستایی و عشایری و بعضاً با قومیت‌ها و ملیت‌های مختلف در شکل‌گیری، رهبری و هدایت جریان هنری و صنعتی کشور به ایفای نقش پرداخته‌اند. روندی که در دوره تیموریان نیز کم‌وبیش ادامه یافت. در این دوران جریان جذب و مهاجرت نخبگان سبب حضور و مشارکت هنرمندان و صنعتگرانی با ملیت‌های مختلف ایرانی، سوری، مصری، هندی، رومی (عثمانی) و قومیت‌ها و نژادهای متفاوت ترک، عرب و ایرانی در فعالیت‌های هنری و صنعتی کشور شد (شامی، ۱۳۶۳: ۱۹۳؛ حافظ ابرو، ۱۳۲۸: ۳۸). این افراد از یک سو بنا به ضرورت‌هایی چون وقوع جنگ و ناامنی در کشور خویش، اسارت در جنگ‌ها و کوچ اجباری و نبود شرایط مساعد اقتصادی و فرهنگی در سرزمین خویش و از سوی دیگر با توجه به وجود شرایط مساعد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی همچون امنیت نسبی، نهادها و مراکز فعال هنری و صنعتی و وجود حامیان و سرمایه‌گذاری‌های مادی و روانی آنها در زمینه هنر و صنعت به ایران مهاجرت کرده و جذب این مراکز و نهادها شدند. البته این گونه مهاجرت‌ها گاه برخلاف تصور مهاجرین، موقعیت و شرایط مطلوبی را برای آنان در پی نداشت (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۱۴۴). بی‌شک سیاست‌های مدیریت‌نشده برخی از سلاطین این دوره نظیر تیمور در انتقال هنرمندان و صنعتگران سرزمین‌های مختلف به برخی شهرها، به‌ویژه سمرقند، طی فتوحات خویش، در این امر بی‌تأثیر نبوده است.

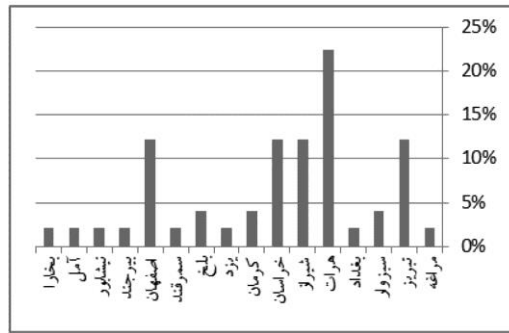
جدول ۱. وضعیت اجتماعی هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان

ردیف	عنوان هنرمند	حرفه و هنر	حاستگاه		شبهه	مذهب	تخصیلات	سایر توضیحات
			شهر	تیموت				
۱	نوازنده عود نقاره ایرانی	موسیقی	ایران	ایران	عده	سنی	علوم دینی	درباری
۲	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	تبریز	عده	سنی	---	---
۳	نویسنده مکتب تبریزی	نقاشی و خطاطی	ایران	تبریز	عده	شیعه	شعر و ادبیات	درباری
۴	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	تبریز	عده	سنی	---	---
۵	نویسنده مکتب تبریزی	نقاشی	ایران	تبریز	عده	سنی	---	---
۶	خطاطی مشهدی	خطاطی	ایران	خراسان	عده	شیعه	---	درباری
۷	نویسنده مکتب تبریزی	معماری	ایران	تبریز	عده	---	تعمیر و هندسه	درباری
۸	نویسنده مکتب تبریزی	معماری	ایران	خراسان	عده	---	علوم دینی	درباری
۹	نویسنده مکتب تبریزی	موسیقی	ایران	کربلا	دیوانی	---	شعر	درباری
۱۰	نویسنده مکتب تبریزی	نقاشی	ایران	هرات	عده	---	---	درباری
۱۱	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	هرات	عده	---	علوم دینی	عقربرداری
۱۲	نویسنده مکتب تبریزی	موسیقی	ایران	بلخ	عده	---	شعر	---
۱۳	نویسنده مکتب تبریزی	معماری	ایران	سمرقند	عده	---	شعر	بازاری
۱۴	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	هرات	رواجی	---	علوم دینی	---
۱۵	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	---	نقاشی	---	شعر	درباری
۱۶	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	سمرقند	خاندانه	---	علوم دینی	---
۱۷	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ترکی	سمرقند	خاندانه	سنی	---	درباری
۱۸	نویسنده مکتب تبریزی	نگارگری	ایران	کربلا	عده	---	---	---
۱۹	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	هرات	رواجی	سنی	علوم دینی	درباری
۲۰	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	تبریز	دیوانی	---	---	درباری
۲۱	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	تبریز	دیوانی	---	شعر	درباری
۲۲	نویسنده مکتب تبریزی	نگارگری	ایران	اصهبهان	عده	---	---	---
۲۳	نویسنده مکتب تبریزی	نگارگری	ایران	اصهبهان	عده	---	---	---
۲۴	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	تبریز	عده (دلایم)	---	---	---
۲۵	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	---	---	---
۲۶	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	---	---	---
۲۷	نویسنده مکتب تبریزی	معماری	ایران	اصهبهان	عده	---	---	---
۲۸	نویسنده مکتب تبریزی	معماری	ایران	اصهبهان	عده	---	---	---
۲۹	نویسنده مکتب تبریزی	معماری	ایران	اصهبهان	عده	---	---	---
۳۰	نویسنده مکتب تبریزی	معماری	ایران	اصهبهان	عده	---	---	---
۳۱	نویسنده مکتب تبریزی	معماری	ایران	اصهبهان	عده	---	---	درباری - بازاری

ردیف	عنوان هنرمند	حرفه و هنر	حاستگاه		شبهه	مذهب	تخصیلات	سایر توضیحات
			شهر	تیموت				
۳۲	نویسنده مکتب تبریزی	موسیقی	ایران	اصهبهان	عده	سنی	مطابق	---
۳۳	نویسنده مکتب تبریزی	معماری	ایران	اصهبهان	عده	---	---	بازاری
۳۴	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	سنی	---	درباری
۳۵	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	---	---	درباری
۳۶	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	---	---	بازاری
۳۷	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	---	شعر	درباری
۳۸	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	---	---	درباری
۳۹	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	شیعه	---	درباری
۴۰	نویسنده مکتب تبریزی	نقاشی	ایران	اصهبهان	عده	---	نگارگری	درباری
۴۱	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	---	شعر	---
۴۲	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	---	شعر	---
۴۳	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	---	شعر	---
۴۴	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	---	شعر	---
۴۵	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	---	شعر	---
۴۶	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	---	شعر	---
۴۷	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	---	شعر	---
۴۸	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	سنی	---	درباری
۴۹	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	شیعه	---	درباری
۵۰	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	---	---	درباری
۵۱	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	---	---	درباری
۵۲	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	---	---	درباری
۵۳	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	---	---	درباری
۵۴	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	---	---	درباری
۵۵	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	---	---	درباری
۵۶	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	---	---	درباری
۵۷	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	سنی	علوم دینی	درباری
۵۸	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	سنی	علوم دینی	درباری
۵۹	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	---	---	بازاری
۶۰	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	---	---	درباری
۶۱	نویسنده مکتب تبریزی	خطاطی	ایران	اصهبهان	عده	---	---	درباری

نکته دیگر آنکه ارزیابی سهم این ملل در شکل‌گیری، رهبری و هدایت جریان هنری و صنعتی این عصر، نشان می‌دهد که سهم نخبگان و استادان ایرانی در این امر بیشتر از هنرمندان سایر ملل بوده است (pope, 1969: 75؛ ر.ک جدول شماره ۱). همچنین طبق جامعه آماری ارائه شده در جدول زیر بیشتر هنرمندان و صنعتگران این دوره به ترتیب به شهرهایی چون هرات، اصفهان، تبریز، خراسان و شیراز تعلق داشته‌اند (ر.ک نمودار ۱). این موضوع خود بیانگر آن است که ۱. مرکزیت سیاسی این شهرها و حضور هنرپروران حکومتی در آنها بیشترین تأثیر را در سکونت و اقامت هنرمندان در این مناطق داشته است؛ ۲. اغلب این شهرها در شمار مناطقی قرار داشتند که در ادوار مختلف از جمله جلایریان، تیموریان و صفویه صاحب سبک هنری خاصی بوده و بیشترین هنرمندان را در خود جای داده بودند. این امر زمینه رقابت و خلاقیت‌های هنری را در آنها ایجاد کرده بود؛ ۳. مورد دیگر پراکندگی جغرافیایی هنرمندان در فهرست مذکور است که خود دلیلی بر توجه حکومت به ظرفیت‌های مناطق مختلف و صحت ادعای جمع‌آوری هنرمندان از مناطق مختلف در این شهرهاست؛ ۴. در برخی از این شهرها تنوع هنرها و صنایع مختلف دیده می‌شود. این تجمع و تنوع معمولاً زمینه استقرار هر پیشه و صنعتی را در محله خاص خود فراهم می‌آورد. چنان که در هرات در این دوره محلاتی به نام قالی‌بافان و شماعان و در سمرقند محله‌ای با نام آهنگران وجود داشت (واعظ هروی، بی تا، حصه اول: ۵۵، ۵۶؛ شامی، ۱۳۶۳: ۱۷۰)؛ ۵. فراوانی تعداد هنرمندان در یک رشته هنری خاص در برخی از این شهرها نشان می‌دهد که در این دوره آن مناطق به عنوان خاستگاه آن هنرها شناخته می‌شدند. چنان که شهرهایی چون اصفهان و شیراز به واسطه دارا بودن معماران خیره و هرات به لحاظ داشتن خطاطان و نقاشانی ماهر، شهره بودند (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۶۶۳-۶۵۸). البته توجه به این نکته ضروری است که برخلاف نظر پاره‌ای از نویسندگان، محل اصلی سکونت و فعالیت پیشه‌وران و صنعتگران پیوسته در داخل شهرها نبوده است (راوندی، ۱۳۵۶، ج ۳: ۳۴۸)، بلکه در طول تاریخ ایران هنرها و صنایعی نیز وجود داشته‌اند که خاستگاه روستایی - ایلیاتی داشته و حاصل اختلاط و همجوشی فرهنگ جامعه شبانی و

روستایی بوده‌اند. هنر قالبیافی تا پیش از دوره صفویه و از جمله در دوره تیموریان از چنین خصوصیتی برخوردار بود.



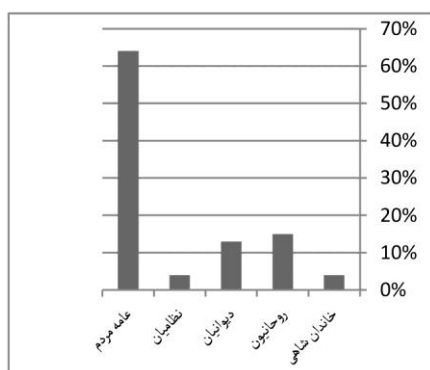
نمودار ۱. فراوانی خاستگاه هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان

### طبقه اجتماعی

طبقه اجتماعی بخشی از جامعه است که به لحاظ داشتن ارزش‌های مشترک، منزلت اجتماعی معین، فعالیت‌های دسته‌جمعی، میزان ثروت و دیگر دارایی‌های شخصی، آداب معاشرت و سایر خصوصیات مشترک با دیگر بخش‌های جامعه متفاوت می‌باشند (گورویچ، ۱۳۵۲: ۷). این مفهوم یکی از ملاک‌هایی است که در ارزیابی موقعیت و جایگاه اجتماعی افراد در جامعه می‌توان مدنظر قرار داد. بدین ترتیب در اینجا می‌توان این پرسش را مطرح نمود که آیا در جامعه عصر تیموری تقسیم‌بندی و سلسله‌مراتب اجتماعی خاصی وجود داشت؟ در این صورت اولاً چه معیار و ملاکی را می‌توان برای آن در نظر گرفت و ثانیاً هنرمندان و صنعتگران در کدام دسته قرار می‌گرفتند؟ در ابتدا ذکر این نکته ضروری است که در ایران عصر تیموری طبقات به آن معنا که در ایران باستان و اروپای قرون وسطی بوده، وجود نداشته است. در واقع یکی از تأثیرات کیش اسلام در ایران حذف طبقات بود و هر کس از هر نژاد و صنفی می‌توانست به بالاترین درجات کشوری، لشکری و مذهبی نایل شود. اما برحسب کیفیت زندگی و نوع مشغله، جامعه عصر تیموریان

را می توان به پنج گروه اعضای خاندان سلطنتی، نظامیان، دیوانیان، روحانیان و عامه مردم (زارعان و پیشه‌وران) تقسیم نمود.

گرایش و اشتغال به هنر و صنعت در میان همه این طبقات وجود داشت اما آمارها نشان می دهند که هنرمندان طبقه عامه از فراوانی بیشتری در جامعه این عصر برخوردار بودند و هنرمندان طبقه روحانی، دیوانی، خاندان شاهی و نظامی به ترتیب در مرتبه بعد قرار می گرفتند (ر.ک نمودار ۲). در میان این طبقه (عامه) هنرهایی چون خطاطی، نقاشی، موسیقی، معماری و صحافی شیوع بیشتری داشتند.



**نمودار ۲.** وضعیت طبقاتی هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان

نیاز و توجه دولت و حامیان حکومتی به این دسته از هنرها، وجود نهادهایی نظیر کارگاه‌ها و کتابخانه‌های سلطنتی برای پرورش این هنرها و کاربردی بودن آنها در جامعه را می توان از جمله دلایل این توجه ذکر نمود. نکته قابل توجه دیگر آنکه در میان این طبقه حتی افرادی با خاستگاه غلامی نیز به هنر اشتغال داشتند. بیشتر کارگرانی که در کارهای ساختمانی و معماری فعالیت می نمودند در این رده قرار می گرفتند (پولیا کووا، ۱۳۸۱: ۲۰۸). در میان سایر طبقات این عصر نیز هنر خوشنویسی با اقبال بیشتری مواجه گردید. دلیل این امر تحولات رخ داده در این هنر نظیر ابداع و رواج خطوط ایرانی همچون نستعلیق و تعلیق، نیازهای خاص هر طبقه به آن، وابستگی و ارتباط تنگاتنگ سایر هنرها همچون کتابسازی و معماری با این هنر و کارکردهای فراوان و متنوع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و



فرهنگی خوشنویسان نسبت به سایر هنرمندان در جامعه این دوره بود. در فهرستی هم که تیمور در تزوکات خویش از طبقات مختلف اجتماعی ارائه داده از میان هنرمندان تنها به خطاطان و تحت عنوان کتاب یاد کرده است (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ۲۱۴-۲۰۴). با توجه به مطالب یادشده، هنرمندان و صنعتگران این دوره را نمی‌توان در ردیف یا مرتبه اجتماعی خاصی قرار داد، زیرا علاقه و توجه به هنر و صنعت در این دوره شیوع و رواجی تام یافته بود و در بین همه طبقات، از بالاترین سطوح جامعه تا پایین‌ترین سطح آن، اشتغال به این امر دیده می‌شد. در منابع و کتبی نیز که در دوره تیموریان و پس از آن یعنی دوره صفویه به نگارش درآمده، مراتب اجتماعی معینی برای هنرمندان و صنعتگران در نظر گرفته نشده است. برخی آنان را در ردیف فضلا و علما و برخی دیگر در زمره اشراف و اعیان شهری قرار داده‌اند. گروهی نیز آنان را به عنوان اهل مراد شناخته‌اند (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۶۵؛ مستوفی بافقی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۳۹۸). با وجود این اگر بخواهیم هنرمندان و صنعتگران این دوره را از لحاظ موقعیت و مرتبه اجتماعی در دسته‌بندی مجزایی قرار دهیم براساس محل فعالیت می‌توانیم آنان را به سه گروه هنرمندان و صنعتگران درباری، بازاری و درباری - بازاری تقسیم نماییم. دسته اول در دربار و در خدمت سلاطین به سر می‌بردند و معمولاً دارای القاب و عناوینی همچون سلطانی، شاهی و القابی برگرفته از نام سلاطین و شاهزادگان همچون بایسنقری، حسینی، شاهرخی و اسکندری بودند. این گروه در کارگاه‌ها و کتابخانه‌های سلطنتی زیر نظر شخصی با عنوان «کلانتر» به تهیه مایحتاج و سفارشات حکومتی مشغول بودند (اسفزاری، ۱۳۳۹، ج ۲: ۳۰، ۳۱؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۲، ج ۲: ۹۶۸). علاوه بر کلانتر که ریاست کل هنرمندان و صنعتگران دربار را برعهده داشت، هر دسته از هنرمندان و صنعتگران نیز دارای رئیسی مختص به خود بودند. استادان، دستیاران و شاگردان از دیگر سلسله‌مراتب موجود در کتابخانه‌های سلطنتی محسوب می‌شدند (نظامی باخزری، ۱۳۵۷، ج ۱: ۲۶۴-۲۶۱؛ Thackston, 2000: 42-44). محل اصلی فعالیت دسته‌ای دیگر از هنرمندان و صنعتگران این دوره بازار بود. آنها در حجره‌ها و دکان‌های خویش به تولید و عرضه محصولات خود مشغول بودند. برخی از آنان حتی صاحب مغازه و دکان مستقلی در بازار نبوده و محصولات و آثار خود را در منزل تولید کرده و به منظور فروش

به بازار عرضه می نمودند. در زمره این گروه افرادی نیز قرار داشتند که در کنار هنر و صنعت، حرفه و پیشه دیگری در بازار اختیار کرده و از این طریق امرار معاش می نمودند. این دسته از هنرمندان و صنعتگران در ردیف پیشه‌وران و اهل حرف قرار داشتند که از آنها با عنوان «محرّفه، صنّاع و اصحاب جوارح» یاد شده است (جوینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۷۰؛ نوائی، ۱۳۶۳: ۴۷، ۱۶۲). هنرمندان و صنعتگران درباری - بازاری نیز چنان که از عنوان آن پیداست، گروهی بودند که به صورت توأمان هم در دربار و خدمت سلاطین به سر می بردند و هم در بازار به فعالیت و خدمت به مردم مشغول بودند (آژند، ۱۳۸۷: ۱۶۷؛ فخری هروی، ۱۳۴۵: ۲۷۶).

### اعتقادات مذهبی و ویژگی‌های اخلاقی

در دوره تیموریان روح مذهبی بر مسائل گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سایه انداخته بود. تعصب سلاطین تیموری در دین یا تظاهر آنان به دینداری، فزونی یافتن حرمت سادات، علما و بزرگان دین در جامعه، دستاویز قرار دادن دین برای انجام فتوحات به‌ویژه در دوره تیمور، مداومت سلاطین بر زیارت مقابر بزرگان دین و مشایخ، برگزاری مجالس دینی و مباحثات کلامی و شرعی، تعمیر بقاع متبرکه، فزونی یافتن روند ساخت ابنیه مذهبی، ترویج و گسترش علوم دینی، ظهور نهضت‌های مذهبی شیعی - صوفی، همگی بیانگر تسلط دین و مذهب بر جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی در این دوره است. بالطبع در چنین جامعه‌ای توجه به اعتقادات دینی و جهت‌گیری‌های مذهبی افراد در آثارشان نقش مهمی در ارزیابی جایگاه آنان در جامعه دارد، زیرا همسویی افکار و آثار آنها با جامعه عصر خویش را آشکار می‌سازد. کاربرد کتیبه‌هایی با مضامین دینی در تزیین بناها و سایر آثار هنری و صنعتی، ساخت بناهای مذهبی، کتابت و تذهیب و تجلید قرآن به زیباترین وجه، به تصویر کشیدن نقوشی با مضامین مذهبی، ساخت رحل‌های سنگی قرآن در اندازه‌های بسیار بزرگ، نشانگر همسویی افکار ایشان با فضای مذهبی جامعه است. افزون بر این، بررسی عقاید مذهبی هنرمندان و صنعتگران این دوره نیز همراهی و همگامی ایشان با دو جریان مذهبی رایج در کشور یعنی تشیع و تسنن را نشان می‌دهد. در واقع در میان این قشر

پیروان هر دو مذهب مذکور وجود داشتند و در موارد بسیاری آنان علی‌رغم تفاوت عقیدتی، با مشارکت هم در کمال تسامح و تساهل به خلق آثار نفیس مشغول بودند. هرچند شواهدی دال بر وقوع پاره‌ای برخوردها بین هنرمندان سنی مذهب با مردم شیعی نیز وجود دارد (واصفی، ۱۳۴۹، ج ۲: ۲۲۸، ۲۳۹). مذهب برخی از هنرمندان این دوره را می‌توان از طریق ارتباط نسبی آنها با بعضی از جریان‌های سیاسی - مذهبی شناسایی نمود. چنان‌که نسب آق ملک بن جمال‌الدین معروف به «امیرشاهی سبزواری»، موسیقی‌دان، نقاش و خطاط این دوره، به سربرداران می‌رسید. وی از جمله خواهرزادگان خواجه علی مؤید رهبر سربرداران بود (روملو، ۱۳۴۹، ج ۱۱: ۳۲۹، ۳۳۰). علاوه بر این، تسلط بر حفظ و قرائت قرآن، مدح ائمه دوازده گانه شیعه در قالب اشعار مذهبی، انجام نذورات مذهبی به قصد توسل و مددجویی از ائمه، بست نشینی در حرم ائمه شیعه نظیر حرم امام رضا (ع) به قصد تذهیب و تزکیه نفس، استفاده از القاب و عناوین مذهبی برگرفته از نام ائمه به منظور اظهار ارادت به آنان از دیگر ابعاد اعتقادی و جنبه‌های معنوی شخصیت هنرمندان و صنعتگران این دوره محسوب می‌شوند (بیانی، ۱۳۶۳، ج ۱ و ۲: ۲۴۲). تعلق به طبقه سادات از دیگر ویژگی‌های هنرمندان و صنعتگران تیموری است که بعضاً مایه کسب منزلت اجتماعی برای آنان بود (شیرازی، ۱۳۷۶: ۲۶؛ منشی قمی، ۱۳۵۹: ۸۷). همچنین پابندی به شریعت و تقیدات مذهبی سبب شد برخی از هنرمندان این دوره نظیر عبدالحی بغدادی در اواخر عمر دچار وسواس‌های مذهبی شده و بسیاری از آثار خویش را از میان ببرند (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۷۰). چنین وسواس‌هایی گاه به دلیل محذوریت‌ها و محدودیت‌هایی ایجاد می‌شد که هنرمندان از لحاظ دینی و فقهی در حرفه و هنر خویش با آن مواجه بودند. حتی گاه چنین محدودیت‌هایی به ملاک و معیاری برای ارزش‌گذاری کار هنرمندان و صنعتگران و تعیین جایگاه خود آنها بدل می‌شد. به گونه‌ای که در دوران اسلامی همواره خطاطان از لحاظ حرمت و منزلت اجتماعی، برتر و والاتر از نقاشان و مذهب‌بان شناخته شده‌اند (زکی محمدحسن، ۱۳۶۳: ۱۱۱) و حتی از حیث ترتیب و تقدم کاری نیز آنان مقدم بر نقاشان بودند. نکته جالب توجه دیگر آنکه اسنادی نیز در باب حضور و فعالیت هنری اقلیتی یهودی در شهر هرات در این دوره وجود دارد که به حرفه ابریشم‌کاری مشغول بودند و

پیوسته مورد تعدی و ظلم و ستم مأموران مالیاتی قرار می گرفتند (نظامی باخزری، ۱۳۵۷، ج ۱: ۲۴۷). افزون بر معتقدات دینی، پایبندی و عدم پایبندی به اصول و ارزش‌های اخلاقی نیز فراتر از جنبه فردی آن، که معرف نوع شخصیت افراد است، در بُعد اجتماعی ملاک تعیین جایگاه و منزلت فرد در جامعه محسوب می‌شود. بدین لحاظ آراستگی به فضایل اخلاقی و صفات نیک و پرهیز از رذایل و صفات ناپسند پیوسته مورد تأکید بزرگان و مشاهیر جهان در عرصه‌های مختلف بوده است. در عرصه هنر نیز این امر از آداب نخستین در پرداختن به هنرها و رمز موفقیت و ماندگاری نام و اثر تلقی شده است. چنین نگرشی به هنر و آداب آن در بین هنرمندان و صنعتگران دوره تیموریان نیز رواج داشت، به گونه‌ای که صفاتی نظیر سعی و پشتکار، راستگویی، قناعت، تزکیه نفس، نیکی و خدمت به خلق و پرهیز از حرص و آرز، ستایش شده و افراد عاری از این صفات مورد نکوهش واقع شده‌اند (مایل هروی، ۱۳۷۲: ۸۲). بروز و ظهور چنین خصوصیاتی در رفتار و اعمال برخی از هنرمندان و صنعتگران این دوره سبب شهرت و محبوبیت آنان در نزد مردم شده بود. چنان که سلطانعلی مشهدی به پرهیزگاری، پارسامنشی و مردمداری و مولانا محمد جامی موسیقی‌دان، به درویش‌سلکی و قناعت‌پیشگی در بین مردم نامبردار بود. چنین شهرتی گاه سبب می‌گردید تا القاب و عناوین خاصی از جانب مردم به برخی از افراد داده شود. از جمله خواجه ابوالوفا خوارزمی موسیقی‌دان به دلیل صفات پسندیده در بین مردم به «پیر فرشته» شهرت داشت (نوائی، ۱۳۶۳: ۹، ۲۳؛ آژند، ۱۳۸۶: ۴۹). البته به‌رغم این تکریم‌ها و تأکيدات وافر بر اخلاق‌مداری، افرادی نیز وجود داشتند که از این‌گونه صفات بی‌بهره بوده و متصف به رذایل اخلاقی و صفات ناشایستی چون عجب و تکبر، طمع‌ورزی، شراب‌خواری، شهوت‌پرستی، پرخاشگری و تجمل‌گرایی بودند. در این رابطه مولانا بنایی خطاط و موسیقی‌دان به داشتن عجب و تکبر، مولانا صاحب بلخی موسیقی‌دان به طمع‌ورزی و خضرشاه استرآبادی خوشنویس به پرخاشگری در بین مردم معروف بودند. (نوائی، ۱۳۶۳: ۱۶، ۶۰، ۱۲۲). بالطبع بروز چنین ویژگی‌هایی در فرد، در منزلت و جایگاه وی در نزد مردم و در نتیجه گوشه‌نشینی و انزوای وی مؤثر بودند.

## تحصیلات و سوابق علمی

در آغاز امر شاید چنین به نظر برسد که هنرمندان و صنعتگران دوره تیموریان به دلیل اشتغال روزمره، توجه چندانی به علم و دانش نداشتند اما حقیقت چنین نیست. بسیاری از آنان افرادی فاضل و فرهیخته بوده و از توانمندی و قابلیت علمی بالایی برخوردار بودند. تسلط بر علوم مختلف، تألیف کتب علمی، تعلیم و تربیت شاگردان متخصص در علوم مختلف و انجام اختراعات و ابداعات علمی از مواردی است که جایگاه و منزلت والای علمی آنان را در جامعه نمایان می‌سازد. تعدد و فراوانی اسامی هنرمندان در تذکره‌ها و کتب ادبی این دوره از تمایل اغلب آنان به شعر و ادبیات حکایت دارد. نمونه این کتب «مجالس النفایس» امیرعلیشیر نوایی است که به وفور از این هنرمندان شاعر و شاعران هنرمند یاد کرده است. این فراوانی خود حاکی از شیوع و رواج گسترده شعر و ادبیات در جامعه این عصر و پیوند نزدیک هنر و ادب از یک سو و تعامل تنگاتنگ ادبا و هنرمندان از سوی دیگر است (ر.ک جدول شماره ۱). در زمینه علوم دینی نیز هنرمندان صاحب‌نظری چون مولانا شمس‌الدین محمد الحافظ در این عصر ظهور نمودند که علاوه بر قرائت، در زمینه حفظ قرآن نیز مهارت داشتند (کاتب یزدی، ۱۳۵۷: ۲۸۵). علوم عقلی و تجربی همچون منطق، هندسه، مکانیک و نجوم نیز در این دوره شاهد ظهور هنرمندان صاحب‌نامی نظیر غیاث‌الدین محمد خراسانی موسیقی‌دان و مولانا قاسمعلی زرکوب بود (واصفی، ۱۳۴۹، ج ۲: ۲۱۹؛ نوائی، ۱۳۷۹: ۲۴۰). تألیف کتاب در زمینه علوم مختلف جنبه دیگری از شخصیت علمی هنرمندان و صنعتگران این دوره را آشکار می‌سازد. کتاب معارج النبوه اثر مولانا معین‌الدین الفراهی خطاط و منشآت جلال‌الدین یوسف بن شهاب‌الدین عبدالله جامی خطاط شواهدی از تلاش آنها در این زمینه محسوب می‌گردد (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۹، ج ۲: ۳۸۶). تشکیل حلقه‌های درس و تدریس که گاه سبب جذب حجم قابل توجهی از شاگردان و علاقه‌مندان از نقاط دور و نزدیک نزد اساتید هنرمند می‌گردید، سند دیگری در اثبات وجهه و اعتبار علمی آنان در این دوره است. علاوه بر این، اختراعات و ابداعاتی نیز به دست هنرمندان و صنعتگران این دوره صورت پذیرفت که برخی از آنها در کتب تاریخی این دوران ثبت شده‌اند. از جمله می‌توان به ساعتی اشاره کرد که توسط مولانا

محمد نقاش برای کتابخانه امیر علیشیر نوایی ساخته شد. پیکر چوبی که در درون این ساعت تعبیه شده بود گذر ساعات شبانه‌روز را با نواختن موسیقی مشخص می‌ساخت (نوائی، ۱۳۷۹: ۲۲۲، ۲۲۳).

### وضعیت معیشتی

افراد مختلف در یک جامعه دارای سطح زندگی و معیشتی متفاوتی هستند، چنان‌که گاه افرادی با مرتبه شغلی و اجتماعی یکسان نیز از این نظر با یکدیگر متفاوتند. جایگاه و منزلت اجتماعی افراد، سطح درآمد، وضعیت و امنیت شغلی، توانمندی‌های فردی و اجتماعی اشخاص، امکانات و ظرفیت‌های جامعه و چالش‌ها و محدودیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از جمله متغیرهای تأثیرگذار بر این امر می‌باشند. در جامعه عصر تیموری نیز همه هنرمندان و صنعتگران دارای سطح معیشتی یکسانی نبودند زیرا همان‌طور که پیش از این ذکر شد آنها در سلسله مراتب اجتماعی، در سطح و مرتبه معینی قرار نگرفته بودند و در میان آنان از همه طیف‌ها و اقشار جامعه از فرادست گرفته تا فرودست حضور داشتند. در این باره نویسندگان مختلف نظرات متفاوتی اظهار کرده‌اند. بنا بر اعتقاد برخی از این نویسندگان اکثر هنرمندان ایرانی در قرون میانه از لحاظ معیشتی وضعی اسف‌انگیز و رقت‌بار داشتند (راوندی، ۱۳۶۸، ج ۷: ۵۴۹). برخی دیگر این وضعیت نامساعد را مخصوص وراق‌ها و نسخه‌برداران می‌دانند زیرا آنها مجبور بودند برای تأمین معاش خود صفحات بی‌شماری را خوشنویسی کنند (شیمل، ۱۳۶۸: ۹۲)، ولی برخلاف این نظر گروهی دیگر نظیر ابن عرب‌شاه معتقدند که خطاطان در دوره تیموریان هیچ‌گاه دچار زیان و تنگدستی نمی‌شدند زیرا هنر آنان از بازار خوبی در این دوره برخوردار بود (ابن عرب‌شاه، ۱۳۵۶: ۳۲۱، ۳۲۲). در یک برآورد کلی همه نوع سطح معیشتی در بین هنرمندان و صنعتگران این دوره دیده می‌شد. برخی از آنها از خانواده اعیان و اشراف شهری بودند که در سلسله مراتب حکومتی نیز مناصب بالایی داشتند. این گروه در نهایت تمول زندگی کرده و اشتغال به هنر و صنعت برای آنان جنبه تفریحی داشت. در میان این گروه افرادی نظیر خواجه فخرالدین اوحد مستوفی از خطاطان و اعیان سبزوار نیز وجود داشتند که با وجود

تمول، مشرب درویشی را در پیش گرفته و اموال خود را در راه خیر و امور عام‌المنفعه صرف می‌کردند (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۴۴۳). هنرمندان و صنعتگران درباری نیز که در خدمت سلاطین و شاهزادگان به سر می‌بردند دارای سطح زندگی و معیشتی مناسبی بودند. این گروه از شرایط کاری، دستمزد و مزایای خوبی برخوردار بودند و کلیه‌ی مایحتاج زندگی آنها توسط حکومت تأمین می‌شد. دسته‌ای از این هنرمندان علاوه بر دریافت حقوق و مستمری مقرر، از انعامات و پاداش‌های ویژه‌ای نیز برخوردار می‌شدند که این پاداش‌ها، یا برحسب شایستگی و استعداد و توانایی فرد و یا بنابر عنایت ویژه‌ای که سلاطین و دیگر درباریان به یک شخص داشتند به او واگذار می‌شد (نظامی باخزری، ۱۳۵۷، ج ۱: ۲۵۸-۲۵۵). گاه سلاطین و شاهزادگان با پرداخت دستمزدهای گزاف و اعطای انعامات شاهانه، سعی در جذب و حفظ استادان معروف هنر و صنعت نزد خود داشتند؛ مانند شاهزاده بایسنقر میرزا در هرات و اسکندر سلطان و ابراهیم سلطان در شیراز که وجوه زیادی از خزانه دولت را صرف این امر نمودند. این میزان ذوق و توجه سلاطین و شاهزادگان و سایر ارکان دولت تیموری به هنرمندان و صنعتگران سبب گردید برخی از نوابغ هنری این دوره که از لحاظ خاستگاه و مرتبه اجتماعی در پایین‌ترین سطح قرار داشتند به جمع هنرمندان و صنعتگران درباری راه یابند و زندگی پر تجمل و مرفه درباری را تجربه نمایند (بیانی، ۱۳۶۳، ج ۱ و ۲: ۲۴۱، ۳۶۰). در یک برآورد کلی و براساس آمارهای اندک به‌دست آمده از منابع، موسیقی‌دانان در این دوره از دستمزد بالاتری نسبت به سایر هنرمندان درباری برخوردار بودند. این امر از توجه ویژه سلاطین تیموری به هنر موسیقی حکایت دارد. خطاطان، نقاشان و نساجان از این لحاظ به ترتیب در مراتب بعدی قرار داشتند (ر.ک جدول ۲).

نام هنرمند	هنر یا حرفه	محل فعالیت	میزان مقرری سالانه	میزان مقرری روزانه	زمان فعالیت
سلطانعلی قاینی	خطاطی	ایران	۷ هزار دینار کپکی	۱۹ دینار کپکی	سلطان حسین بایقرا
میرک هروی	نقاشی	ایران	۵ هزار دینار کپکی	۱۳/۵ دینار کپکی	سلطان حسین بایقرا
جلال‌الدین ارمکک باغ	نساجی	ایران	۳ هزار دینار کپکی	۸ دینار کپکی	سلطان حسین بایقرا
معتمد ارمکک باغ	نساجی	ایران	۵ هزار دینار کپکی	۱۳/۵ دینار کپکی	سلطان حسین بایقرا
خواجه محمد کنگر	موسیقی	ایران	۱۰ هزار دینار کپکی	۲۷/۵ دینار کپکی	میرزا ابوالقاسم باغ

جدول ۲. میزان مقرری هنرمندان در دربار تیموریان

همچنین مقایسه‌ای کلی بین حقوق دریافتی هنرمندان ایرانی در دو دربار تیموریان و عثمانی در این زمان نشان می‌دهد که هنرمندان دربار تیموریان از سطح درآمدی بهتری نسبت به هم‌تایان مهاجر خود در عثمانی برخوردار بودند. به‌خصوص اینکه درآمد پرداختی به هنرمندان در دربار تیموریان براساس دینار کپکی (یک سکه نقره تمام) و در دربار عثمانی بر مبنای آقچه (ربع درهم) بوده است. البته با توجه به نبود شواهد کافی در خصوص عیار و وزن سکه‌ها در این دوره و با فرض یکسان بودن عیار سکه‌های نقره در دو کشور، چنین نظری را می‌توان پذیرفت. اما با وجود این چرا هنرمندان ایرانی در این دوره به عثمانی مهاجرت می‌نمودند؟ جنگ قدرت بین شاهزادگان، عدم ثبات سیاسی در ایران به ویژه پس از مرگ شاهرخ، از دست دادن حامیان حکومتی در این مقاطع و وجود ثبات سیاسی بیشتر در عثمانی از علل اصلی این مهاجرت‌ها محسوب می‌شوند (دین پرست، ۱۳۹۱: ۱۵۸).

نام هنرمند	هنر یا حرفه	محل فعالیت	میزان مقرری سالانه	میزان مقرری روزانه	زمان فعالیت
شاه قاسم	خطاطی	عثمانی	۱۸۲۵۰ آقچه	۵۰ آقچه	سلطان سلیم اول
ملک احمد تبریزی	نقاشی	عثمانی	۸۷۶۰ آقچه	۲۴ آقچه	سلطان بایزید دوم
حسن بن محمد	نقاشی	عثمانی	۷۳۰۰ آقچه	۲۰ آقچه	سلطان بایزید دوم
محمد جان تبریزی	نساجی	عثمانی	۵۱۱۰ آقچه	۱۴ آقچه	سلطان سلیم اول
میر احمد تبریزی	نساجی	عثمانی	۳۶۵۰ آقچه	۱۰ آقچه	سلطان سلیم اول

### جدول ۳. میزان مقرری هنرمندان ایرانی در دربار عثمانی

(شعبانی و دین پرست، ۱۳۸۹: ۷۲-۶۷)

بدین ترتیب هنرمندان و صنعتگران دریاری مادامی که در دربار به سر می‌بردند از زندگی پر تجمل و مرفه آن بهره‌مند بودند و به محض کناره‌گیری از این خدمات، معمولاً زندگی پرمشقت و ساده‌ای را آغاز می‌نمودند. به عبارت دیگر، حضور در دربار اگرچه برای هنرمندان اعتبار، منزلت و حقوق و مواجب به همراه داشت اما احتمال قطع شدن حمایت‌های دربار نیز در این میان احساس می‌شد (پات و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۷)، چنان‌که امیرشاهی سبزواری از هنرمندان دربار بایستقر میرزا پس از مدتی خدمت در دربار از آن



کناره گرفت و بقیه روزگار و عمر خود را به زراعت گذراند (قلیچ‌خانی، ۱۳۷۳: ۲۹). در این میان هنرمندان و صنعتگرانی نیز بودند که با وجود مهارت و توانمندی‌های بالای فنی و هنری در فقر و تنگدستی به سر می‌بردند. برخی از آنها نظیر حافظ‌پناهی موسیقی‌دان برای امرار معاش و گذران زندگی مجبور به فعالیت در چندین زمینه و حتی ترک هنر و حرفه مورد علاقه خود و پرداختن به حرفه‌ای دیگر می‌شدند (نوائی، ۱۳۶۳: ۶۷، ۷۷، ۱۴۷). علاوه بر این، پس از سقوط تیموریان و تسلط ازبکان بر هرات و سمرقند نیز بسیاری از هنرمندان و صنعتگران، حتی آنهایی که در دربار فعالیت می‌کردند با خطرات و چالش‌هایی مواجه شدند. برخی از آنها مورد فراموشی و بی‌توجهی دولت‌های جدید واقع شدند و برخی دیگر نظیر میرعلی هروی، علی‌رغم میل باطنی خود، مجبور به خدمت در دربار ازبکان گردیدند (ریاضی، ۱۳۳۶: ۲۶۶).

### میزان شهرت و مقبولیت اجتماعی

شهرت اجتماعی بر میزان توجه، اقبال و شناخت جامعه از یک فرد یا گروه خاص دلالت دارد. همه افراد به یک میزان از این خصیصه برخوردار نیستند چرا که شهرت پدیده‌ی متغیری است و عوامل و زمینه‌های گوناگونی اعم از عوامل ذاتی و اکتسابی همچون داشتن مهارت در انجام فعالیتی خاص و یا برخورداری از خصلتی شاخص در شکل‌گیری، ماندگاری و شدت و ضعف آن در افراد مختلف مؤثرند. مقوله هنر و صنعت، هم به دلیل وجود ذوق و علاقه فطری انسان به زیبایی و هم به واسطه پاسخ‌گویی آن به نیازهای مادی و روزمره جوامع انسانی همواره و در طول تاریخ مورد توجه بوده است. البته این توجه پیوسته با فراز و فرودهایی همراه بوده به طوری که در مقاطعی حالت فراگیر و عمومی‌تری به خود گرفته است. دوره تیموریان از جمله مقاطع حساس و مهم در این زمینه محسوب می‌شود. در این دوره توجه به هنر و صنعت به مراکز رسمی نظیر دربار محدود نشده و در بین تمامی اقشار جامعه گسترش یافته بود. به گونه‌ای که بازارها از مراکز مدنی و غیررسمی اجتماع و هنرنمایی هنرمندان و صنعتگران محسوب می‌شدند. بسیاری از آثار هنری و صنعتی این دوره نیز نه تنها در زمان خویش از شهرت و مقبولیتی تام برخوردار شدند بلکه

در ادوار بعدی هم مورد تحسین و تقلید اهل فن قرار گرفتند. تولید چنین آثار ماندگاری، خود زمینه بقای نام و آوازه بسیاری از سازندگان این آثار نظیر بهزاد، سلطانعلی مشهدی و جعفر بایسنقری را نه تنها در آن عصر بلکه تا زمان حاضر فراهم نمود. گاه شهرت و محبوبیت این افراد چنان فراگیر می شد که منزل آنها به محل گردهمایی بزرگان هنر و صنعت تبدیل شده و شاگردی و تلمذ در نزد آنان مایه مباهات استادان بزرگ می گردید (بیانی، ۱۳۶۳، ج ۱ و ۲: ۷۸، ۲۴۱). به همین نسبت مرگ چنین افرادی نیز در بسیاری از موارد زمینه تأسف و تأثر شدید جامعه را فراهم می کرد (حقیقت، ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۱۴).

افزون بر این، گاه حضور و تجمع هنرمندان و صنعتگرانی مشهور در یک ناحیه یا شهر زمینه اقبال عمومی مردم به حرفه یا هنری خاص و شهرت آن شهر در میان سایر شهرها را فراهم می نمود. در این خصوص سمرقند دوره الغیبیک به کانون تجمع خوانندگان و موسیقی دانانی بدل شده بود که نه تنها زمینه گرایش اقشار مختلف این شهر حتی طبقات مذهبی را به موسیقی فراهم نمودند، بلکه نظر ثروتمندان و صاحبان قدرت بلاد دیگر را نیز به خود جلب کردند (مایل هروی، ۱۳۷۸: ۳۸). البته همه هنرمندان و صنعتگران این دوره به یک میزان نزد مردم مشهور و شناخته شده نبودند. چه بسیار افرادی که در نهایت گمنامی زیسته و در همین حال نیز از دنیا رفتند. از این رو در بررسی میزان شهرت و محبوبیت هنرمندان و صنعتگران این دوره عوامل گوناگونی چون میزان مهارت و تخصص آنان، میزان تلاش فرد برای معرفی و شناسایی هنر خویش به جامعه و میزان اقبال و توجه جامعه و حکومت به این قشر و هنر ایشان را می توان مد نظر قرار داد.

بدیهی است هنرمندان و صنعتگرانی که دارای مهارت و تخصص بیشتری در حرفه خود هستند از شانس بیشتری برای شناخته شدن در جامعه برخوردارند. در دوره تیموریان نیز مهارت بالای برخی از هنرمندان و صنعتگران نه تنها زمینه شناخت و شهرت ایشان را در نزد مردم فراهم نمود بلکه سبب جذب آنان در دربار و حمایت اشراف و درباریان از آنها گردید. تلاش برای کسب تخصص بیشتر و هنرنمایی در این زمینه نیز در بین هنرمندان و صنعتگران درباری، که معمولاً با یکدیگر در رقابت بودند، بیشتر دیده می شد. به گونه ای که برخی از آنان بدین واسطه در چندین حرفه و هنر مهارت یافتند. البته در این میان افرادی

نظیر سلطانعلی مشهدی هم وجود داشتند که شهرت و آوازه خویش را با گذر از رنج‌ها و مشقت‌های فراوان و بدون پشتوانه‌های مادی و معنوی و حتی بدون بهره‌گیری از محضر استادی توانمند در برهه‌ای از حیات هنری خویش، به دست آوردند. دسته‌ای دیگر از هنرمندان این دوره همچون عمر اقطع نیز محدودیت‌ها و نقایص جسمانی خویش را به فرصتی برای ایجاد و کسب شهرت بدل نمودند (شیمل، ۱۳۶۸: ۸۸، ۸۹). البته توجه به این نکته ضروری است که مهارت و تخصص صرف، بدون تلاش برای معرفی و شناسایی آن به دیگران، همیشه هم عاملی برای شهرت‌یابی در نزد مردم محسوب نمی‌شد چرا که هنرمندان و صنعتگرانی نیز بودند که مهارت و تخصص بالایی داشتند ولی جز با به‌جا گذاشتن خاطره‌ای در حافظهٔ معدود افراد نزدیک به خود، مجال ظهور و بروز هنر خویش را نزد دیگران نیافتند. لذا برخی از هنرمندان این دوره چون سلطانعلی مشهدی و میرعلی هروی با نگارش رسالات هنری نظیر «صراط السطور و مداد الخطوط» به اقداماتی در این راستا دست زدند. اقدام به نمایش مهارت و قابلیت‌های هنری خویش در ملائع از دیگر طرق مؤثر در معرفی اثر و صاحب اثر به سایرین بود. اقدام مولانا سیمی نیشابوری، شاعر و نستعلیق‌نویس عهد شاه‌رخ، در نگارش ۱۲۰ مکتوب ده سطری در مدت یک شبانه‌روز در حضور عامهٔ مردم از معدود مواردی است که بیشترین تأثیر را در شهرت وی به دنبال داشته است (عالی افندی، ۱۳۶۹: ۵۷). همچنین در این دوره امضای آثار توسط هنرمندان و صنعتگران بیش از پیش شایع گشت که این امر نه تنها موجب اصالت اثر بلکه در بسیاری از مواقع معرف جایگاه و شأن هنرمند در جامعه بود. چنان‌که کاربرد عبارت «کتبه» در امضای خطاطان این دوره بیانگر جایگاه استادی ایشان و عبارات «سوده و مشقه» نشانگر درجهٔ استادی آنان بود. همچنین القاب و عناوین به‌کاررفته توسط هنرمندان و صنعتگران درباری گویای میزان قرب و منزلت آنان در دربار و نزد سلاطین و شاهزادگان بود. هرچند در این میان افرادی نیز وجود داشتند که القابی همچون العبد، العبد الفقیر، الاحقر را از سرِ خضوع و خشوع در مقدمهٔ نام خود به کار می‌بردند (بیانی، ۱۳۶۳، ج ۱ و ۲: ۴۳، ۷۲، ۱۰۶). تصاویری نیز که از هنرمندان این دوره در برخی از آثار و نسخ خطی برجای مانده است از تشخص آنان به‌عنوان یکی از عناصر مهم آثار هنری حکایت دارد.

نمونه این آثار نسخه خطی شاهنامه بایسنقری است که در آن تصاویر کاتب، مذهب و نقاش اثر دیده می‌شود (زکی محمدحسن، ۱۳۶۳: ۷۶). نکته دیگر آنکه افزون بر تلاش فردی هنرمند و صنعتگر برای کسب شهرت، میزان اقبال و توجه جامعه به شخصیت، تلاش و حاصل کار وی نیز در این امر نقش مهمی دارد. حمایت اقشار مرفه از هنرمندان و صنعتگران، توجه به زندگینامه آنان در آثار تاریخی و ادبی و اظهار نظر برخی از نویسندگان و ادبای این دوره در باب مقام و منزلت هنر و هنرمند در عصر خویش تا حدودی گویای این توجه می‌باشد. در این باره حامیان، به ویژه درباریان با ایجاد شرایط مساعد و بسترهای مادی و معنوی لازم برای هنرنمایی و بروز خلاقیت‌ها و قابلیت‌های فرد، زمینه خلق آثار بی‌بدیل و در نتیجه شهرت و معروفیت هنرمند را فراهم می‌نمودند. حضور چهار هنرمند نامی همچون عبدالقادر مراغی، یوسف اندکانی، قوام‌الدین شیرازی و مولانا خلیل مصور در دربار شاهرخ که بخشی از شهرت خویش را مدیون حمایت‌های دربار بودند، شاهدی بر این مدعاست (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۳۴۰). همچنین در این دوره زندگینامه هنرمندان و صنعتگران مورد توجه قرار گرفت و اطلاعات کوتاهی از زندگی آنان در کنار نام امرا، سلاطین، عرفا و ادبا وارد تاریخچه‌ها و تذکره‌ها گردید (پات و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۴). ضمن اینکه در شماری از این کتب اظهار نظرهایی نیز در باب مقام و منزلت برخی از این هنرمندان و ارزش و اهمیت کار آنان صورت گرفت (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۴۲۷؛ مرعشی، ۱۳۳۳: ۳۲۱).

این میزان توجه به هنر و هنرمندان، نشان از شناخت جامعه از این قشر و در نتیجه شهرت و مقبولیت آنان در آن جامعه دارد. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که هنرمندان و صنعتگران این دوره به لحاظ صنفی از چه میزان شهرت و منزلت در جامعه برخوردار بوده‌اند؟ به عبارت دیگر کدام دسته از اصناف هنری به لحاظ شهرت و منزلت اجتماعی از جایگاه بالاتری در جامعه برخوردار بودند؟ آیا اساساً می‌توان چنین تقدم و تأخری را در نظر گرفت؟ در این صورت چه معیارهایی را برای این امر می‌توان در نظر گرفت؟ در ابتدا ذکر این نکته ضروری است که در یک جامعه هیچ‌گاه نمی‌توان به صورت قطعی و مطلق هنری را از هنر دیگر برتر و بالاتر دانست زیرا هر هنری در جایگاه خود ارزش‌ها و

کاربردهای خاصی دارد. دقیقاً مانند سایر مؤلفه‌ها و زیرمجموعه‌های فرهنگ یک کشور که هر کدام دارای جایگاه ویژه‌ای هستند. اما در یک دوره تاریخی و بنابر مقتضیات و زمینه‌های تاریخی همچون توجه اقشار بهره‌مند جامعه، حضور پررنگ یک قشر خاص از هنرمندان در جایگاه سیاسی و اجتماعی، کاربردی بودن و جوابگو بودن یک هنر خاص در برابر ضرورت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه، یک حرفه یا رشته هنری و یا یک صنف خاص از هنرمندان نسبت به سایر رشته‌ها و اصناف موقعیت نسبتاً بهتری می‌یابد. در دوره تیموریان نیز با توجه به شواهدی همچون تأسیس و رونق کتابخانه‌های سلطنتی به مثابه کانون‌های آموزش و پرورش هنر و هنرمندان، توجه به هنر کتابسازی در این مراکز، تأکید بر انتصاب اغلب مقامات ارشد هنری نظیر رؤسای کتابخانه‌ها از بین نقاشان و خطاطان، کثرت اسامی هنرمندان کتابساز به ویژه نقاشان و خطاطان در تذکره‌ها و تاریخچه‌ها، فراگیری هنرهایی چون خطاطی، نقاشی و صحافی در بین طبقات مختلف به ویژه عامه مردم و تقدم و تأخر فهرست اصناف موجود در گزارش‌های مکتوب رؤسای هنرمندان (کلانتر) به شاه، می‌توان اظهار داشت که کتابسازی و اصناف فعال در این حوزه چون خطاطان، نقاشان، مذهبیان و صحافان از شهرت و حرمت نسبتاً بالاتری در جامعه نسبت به سایر اصناف برخوردار بودند. تقدم جماعت کاتبان، نقاشان و مجلدان بر سایر حرف در دفاتر اهل حرف مربوط به کارگاه‌های هنری توپقاپی سرای در استانبول نیز شواهدی بر این مدعاست (فرخ‌فر و دیگران، ۱۳۹۰: ۴؛ ۲۳-۸۶: Uzunçarşılı, 1986). این مطلب با توجه به این نکته که مشاغل مختلف دربار استانبول در آغاز سده ۱۰ق با الگوبرداری از کارگاه‌های هنری ایرانی شکل گرفته بودند، قابل تصدیق می‌باشد.

## نتیجه

بررسی مقام و موقعیت هنرمندان و صنعتگران در عصر تیموری از لحاظ خاستگاه، طبقه، ویژگی‌های اخلاقی و اعتقادی، تحصیلات و سوابق علمی، وضعیت معیشتی و میزان شهرت اجتماعی از شکل‌گیری یک جامعه هنری در این دوره خبر می‌دهد. جامعه‌ای که بالطبع و طبق تعریف یک جامعه عینی، دارای جمعیتی متشکل از اقشار و طبقات مختلف و حوزه

جغرافیایی با ویژگی‌های مشخص می‌باشد. یکی از ویژگی‌های هنرمندان و صنعتگران به عنوان اعضای جامعه هنری مذکور خاستگاه اجتماعی آنان است. خاستگاهی که گویای پراکندگی جغرافیایی آنها در مناطق مختلف و سهم اثرگذار و بالای هنرمندان شهرهایی چون هرات، اصفهان، تبریز، خراسان و شیراز در شکل‌گیری، رهبری و هدایت جریان هنری و صنعتی این عصر است. شهرهایی که تجمع و تعدد اصناف هنری خاص در آنها بر اهمیت‌شان می‌افزود. چنان‌که اصفهان و شیراز به واسطه حضور معماران خبره و هرات به علت داشتن خطاطان و نقاشانی ماهر دارای اهمیت بودند. تفاوت‌ها و تنوع طبقاتی موجود در میان این قشر، از دیگر دلایل اطلاق نمودن عنوان جامعه برای آنهاست، به طوری که علاوه بر قرار دادن آنها در یک تقسیم‌بندی کلی هنرمندان درباری، بازاری و درباری-بازاری، به علت تعلق ایشان به اعضای خاندان سلطنتی (طبقه بالا)، نظامیان و روحانیون (طبقه متوسط) و عامه مردم (طبقه پایین) نیز می‌توان آنان را از هم تفکیک نمود. به عوامل فوق دو عامل فزونی جمعیت و نحوه معیشت را نیز می‌توان افزود، چنان‌که هنرمندان طبقه عامه و غیردرباری از جمعیت بیشتر، اما در عین حال وضعیت معیشتی پایین‌تر و سطح درآمدی کمتری برخوردار بودند. موضوعی که درباره هنرمندان درباری و متعلق به طبقات بالا عکس آن صادق بود. البته در این میان به لحاظ صنفی نیز موسیقیدانان و خطاطان از درآمد بهتری نسبت به سایر هم‌تایان خود برخوردار بودند. وجود جریان‌های متفاوت مذهبی که به‌ویژه با رشد تشیع در این زمان جنبه پررنگ‌تری به خود گرفت نیز سبب تفکیک جایگاه هنرمندان متناسب با نوع اعتقادات آنان گردید. در این رابطه تعلق برخی از آنها به طبقه سادات موجد منزلت اجتماعی ویژه‌ای برای ایشان بود. علاوه بر اینکه معیارهای دینی گاه به عنصر مهمی در ارزش‌گذاری آثار هنرمندان نیز تبدیل می‌شد. فزونی از مؤلفه‌های بیرونی مؤثر در تعیین و گاه تثبیت مرتبه اجتماعی یک هنرمند یا صنعتگر، ویژگی‌های درونی و شخصیتی وی اعم از فضایل و رذایل اخلاقی نیز سهم مهمی در ارتقا یا تنزل آن داشت. در نظر گرفتن جایگاه اجتماعی معین برای یک فرد از جمله هنرمند، بدون توجه به میزان شهرت و عوامل دخیل در آن همچون میزان مهارت و تخصص، معرفی و شناسایی این تخصص به جامعه و اقبال عمومی به فرد و اثر وی فرضیه‌ای ناقص

خواهد بود. به طوری که هنر کتابسازی و هنرمندان فعال در این حوزه در دوره تیموری به دلیل تأسیس و رونق کتابخانه‌های سلطنتی، تهیه نسخ خطی گرانها در این مراکز، کثرت و تقدم اسامی هنرمندان کتابساز در تذکره‌ها و تاریخچه‌ها و گزارش‌های مکتوب رؤسای هنرمندان به شاه، از شهرت و منزلت بالاتری در جامعه هنری این عصر برخوردار بودند. در مجموع مقاله حاضر به عنوان تحقیقی در حوزه جامعه‌شناسی تاریخی، با توضیح و تبیین کلیت زندگی یک قشر اجتماعی به نام هنرمند و صنعتگر با تکیه بر ظرفیت‌های خاص آن نسبت به دیگر افراد جامعه، علاوه بر تشریح موقعیت و پررنگ نمودن موجودیت این گروه، مدل و الگویی تحلیلی در اختیار یک محقق تاریخ اجتماعی قرار می‌دهد. ویژگی اصلی این مدل واکاوی دقیق یک پدیده اجتماعی (مانند جایگاه اجتماعی) با نگرشی ترکیبی و همه‌جانبه به عوامل فردی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است؛ ضمن اینکه هریک از این شاخص‌ها و معیارها به نوبه خود و به تنهایی می‌تواند نمونه‌ای به منظور کاربست آن‌ها در دیگر مدل‌های کلی و نظری تحقیقات تاریخ اجتماعی به کار آید.

## منابع

- آرژند، یعقوب (۱۳۸۶). **سلطانعلی شهدی**. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). **مکتب نگارگری هرات**. تهران: فرهنگستان هنر.
- ابن عرب‌شاه (۱۳۵۶). **عجایب‌المقدور**. ترجمه محمدعلی نجاتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بیانی، مهدی (۱۳۶۳). **احوال و آثار خوشنویسان**. ج ۱ و ۲. تهران: علمی.
- پات، فریبا، احمدرضا خضری و مهرانگیز مظاهری (۱۳۹۰). «خوشنویسی در آغاز عصر صفوی»، شماره ۱، تهران: **پژوهش‌نامه تاریخ تمدن اسلامی**.
- پولیا کووآ، ی. آ. (۱۳۸۱). **نقاشی و ادبیات ایرانی**. ترجمه زهره فیضی. تهران: روزنه.
- جوینی، عطاملک (۱۳۸۵). **تاریخ جهانگشا**. ج ۱. تصحیح علامه محمد قزوینی. تهران: دنیای کتاب.

- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله (۱۳۲۸). *ذیل ظفرنامه شامی*. تصحیح بهمن کریمی. تهران: بنگاه افشاری.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲). *زبده التواریخ*. ج ۲. تصحیح سید کمال حاج سیدجوادی. تهران: نی.
- حسینی تربتی، ابوطالب (۱۳۴۲). *تزوکات تیموری*. تهران. کتابفروشی اسدی.
- حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۸۴). *تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی*. ج ۱. تهران: مؤلفان و مترجمان ایرانی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۷۲). *مآثر الملوک*. به کوشش میرهاشم محدث. تهران: رسا.
- دین پرست، ولی (۱۳۹۱). «نقش ایرانیان مهاجر در آناتولی با تأکید بر دوره تیموری و صفویه». *فصلنامه تاریخ اسلام*. ش ۴.
- راوندی، مرتضی (۱۳۵۶ و ۱۳۶۸). *تاریخ اجتماعی ایران*. ج ۳ و ۷. تهران. امیرکبیر.
- روملو، حسن بیگ (۱۳۴۹). *احسن التواریخ*. ج ۱۱. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران. بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ریاضی، غلامرضا (۱۳۳۶). *دانشوران خراسان*. خراسان. کتابفروشی باستان.
- زکی محمد حسن (۱۳۶۳). *تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام*. ترجمه محمدعلی خلیلی. تهران: اقبال.
- زمچی اسفزاری، معین‌الدین (۱۳۳۹). *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*. ج ۲. تهران: دانشگاه تهران.
- سمرقندی، دولت‌شاه بن علاءالدوله (۱۳۸۲). *تذکره الشعراء*. تصحیح ادوارد براون. تهران: اساطیر.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۸۳). *مطلع سعدین و مجمع بحرین*. ج ۲. دفتر دوم. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.



- شامی، نظام‌الدین (۱۳۶۳). **ظفرنامه**. به کوشش پناهی سمنانی. تهران: نشر بامداد.
- شعبانی، رضا، ولی دین‌پرست (۱۳۸۹). «مهاجرت هنرمندان ایرانی به عثمانی». تهران: **فصلنامه تاریخ اسلام و ایران**. ش ۶.
- شیرازی، یعقوب بن سراج (۱۳۷۶). **تحفة‌المحبین**. به کوشش کرامت رعنا حسینی و ایرج افشار. تهران: نقطه.
- شیمیل، آن ماری (۱۳۶۸). **خوشنویسی و فرهنگ اسلامی**. ترجمه اسدالله آزاد. مشهد: آستان قدس رضوی.
- عالی افندی، مصطفی (۱۳۶۹). **مناقب هنروران**. ترجمه توفیق سبحانی. تهران: سروش.
- فخری هروی (۱۳۴۵). تذکره روضة‌السلطین، تصحیح عبدالرسول خیامپور. تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- فرخ‌فر، فرزانه، محمد خزایی (۱۳۹۰). «جایگاه هنرمندان کتاب‌آرای ایرانی در کارگاه‌های هنری توپقاپی‌سرای»، تهران: **مجله مطالعات هنر اسلامی**. ش ۱۵.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا (۱۳۷۳). **رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته**. تهران: روزنه.
- کاتب، احمد بن حسین بن علی (۱۳۵۷). **تاریخ جدید یزد**. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- کلاویخو، گنزالز (۱۳۶۶). **سفرنامه**. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: علمی و فرهنگی.
- گل‌مبک، لیزا، دونالد ویلبر (۱۳۷۴). **معماری تیموری در ایران و توران**. ترجمه کرامت‌الله افسر و محمد یوسف کیانی. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- گوروپچ، ژرژ (۱۳۵۲). **مطالعه درباره طبقات اجتماعی (فکر طبقه اجتماعی از مارکس تا امروز)**. ترجمه باقر پرهام. تهران: دانشگاه تهران.

- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۲). **کتاب آرایه در تمدن اسلامی**. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مرعشی، ظهیرالدین (۱۳۳۳). **تاریخ طبرستان و رویان و مازندران**، تصحیح عباس شایان. تهران.
- مستوفی بافقی، محمد مفید (۱۳۸۵). **جامع مفیدی**، ج ۳. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- منشی قمی، قاضی میر احمد (۱۳۵۹). **گلستان هنر**. تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: منوچهری.
- نظامی باخزری، عبدالواسع (۱۳۵۷). **منشأ الانشاء**، ج ۱. به کوشش رکن‌الدین همایون فرخ. ایران: دانشگاه ملی.
- نوائی، امیرعلیشیر (۱۳۶۳). **مجالس النفایس**. به اهتمام علی اصغر حکمت. تهران: کتابخانه منوچهری.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۹). **رجال کتاب حبیب‌السیور**. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- واصفی، زین‌الدین محمود (۱۳۴۹). **بدایع الوقایع**، ج ۲، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- واعظ هروی، اصیل‌الدین (بی تا). **مزارات هرات**. حصه اول. تصحیح فکری سلجوقی. بی‌جا. بی‌نا.
- یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۸۷). **ظفرنامه**. ج ۱. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- Pope, Arthur upham (1969): **Persian Architecture**, London, Oxford University Press.
- Thackston, w (2000): **Album Prefaces and other documents on the History of Calligraphers and Painters**, Leiden, Brill.
- Uzunçarşılı, Ismail Hakkı (1986): **Osmanlı Sarayı'nda Ehl-i Hiref (Sanatkârlar) defter**, Belgeler 11/15, pp23-76.